

## حقیقت آیه ۶۲ سوره بقره

نقیسه مقیسه<sup>۱</sup>، جواد باغبانی<sup>۲</sup>

### چکیده

آیه شصت و دوم سوره بقره در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه اندیشمندان مسلمان به‌ویژه روشنفکران قرار گرفته است. برخی از آنها این آیه را دلیلی قرآنی بر راستین بودن همه ادیان و مذاهب پیش از اسلام می‌دانند. براساس مفاد این آیه، تنها ملاک هدایت و رستگاری، ایمان به سه اصل کلی توحید، معاد و عمل صالح است و سایر شاخصه‌ها همچون گرایش به دینی خاص مانند اسلام، مورد ملاک و پذیرش نیست. از جمله علل گرایش به این باور، اندیشه تکثرگرایی یا پلورالیسم دینی و باور به حقانیت تمام ادیان الهی است. قرآن کریم حقانیت طولی شرایع الهی را می‌پذیرد، اما حقانیت عرضی آنها را نمی‌پذیرد. بنابراین، این آیه تأییدی بر اعتباربخشی سایر ادیان نیست بلکه صراحت در پذیرش دین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ادیان الهی دیگر دارد و تکثرگرایی دینی را نمی‌پذیرد. مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش اسنادی با رویکرد توصیفی، سعی در تبیین مراد مقصود آیه ۶۲ سوره بقره دارد.

**واژگان کلیدی:** آیه ۶۲ سوره بقره، تکثرگرایی دینی، ادیان آسمانی، ایمان.

### ۱. مقدمه

کثرت‌گرایی، معادل واژه پلورالیسم در زبان انگلیسی است. این اصطلاح برای اولین بار توسط لوتسه در کتاب فلسفی مابعدالطبیعه وارد فلسفه شد. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۷) این واژه در لغت به معنای جمع‌گرایی و کثرت‌گرایی است. کثرت‌گرایی دینی نتیجه تلاشی است برای به‌وجود آوردن مبنایی در الهیات مسیحی برای تسامح و تحمل ادیان غیرمسیحی. به همین دلیل کثرت‌گرایی دینی، عنصری است در گونه‌ای از تجدد یا لیبرالیسم دینی. کثرت‌گرایان دینی تصدیق می‌کنند که

۱. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه، قم، ایران.

همه ادیان بزرگ، راهی به سوی نجات عرضه می‌کنند و همه آنها دربردارنده حقیقت دینی هستند (گلنهایوزن، ۱۳۷۹، ص ۱۱). جان‌هیک به‌عنوان شاخص‌ترین نظریه‌پرداز درباره تنوع و تکثر ادیان، معتقد است که ادیان مختلف در سالیان گذشته نسبت به یکدیگر در جهل مطلق به‌سرمی‌بردند و هیچ نوع شناخت عمیق و یا تفاهم‌آمیزی ازجانب طرفداران یک دین نسبت به دین دیگر وجود نداشت. تنها در حدود صدسال اخیر است که پژوهش‌های علمی در ادیان جهان درک و شناسایی دقیق‌تر ادیان دیگر را ممکن کرده است و ازاین‌طریق بسیاری از انسان‌ها نسبت به مسائل و مشکلات دعاوی متعارض سنن مختلف درباره حقیقت، نجات و رستگاری آشنا شده‌اند. به‌همین دلیل این موضوع یکی از موضوع‌های اساسی فلسفه دین است. براساس عقیده وی، هرکس با هر اندیشه و تفکری می‌تواند به بهشت راه یابد به شرط آنکه از طریق دین‌های آسمانی به آیینی مهم دست یابد (ر.ک.، هیک، ۱۳۸۱، ص ۲۴۲).

این نظریه در میان روشنفکران مسلمان مورد توجه قرار گرفت. از جمله دلایلی که روشنفکران برای اثبات این ادعا مطرح می‌کنند، اطلاق آیاتی مانند آیه ۶۲ سوره بقره است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ همانا کسانی که ایمان به خدا و انبیا و آخرت آورده‌اند (مسلمانان) پیش‌پروردگار عالم مأجورند، چنان‌که یهودیان و نصاری و صابئین (و پیروان انبیای سلف) آنهایی که ایمان به خدای تعالی و روز رستاخیز آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، هم مسلماً پیش‌پروردگار عالم مأجورند و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آنها از گذشته و در آینده نیست». کثرت‌گرایان با استناد به مفاد یادشده در این آیه، ایمان به خداوند و ایمان به معاد و عمل صالح را راه رستگاری برای همه بشریت می‌دانند و معتقدند که پیروان همه ادیان آسمانی در صورت داشتن سه آموزه فوق به رستگاری و هدایت دست خواهند یافت.

## ۲. بررسی مفاد آیه ۶۲ سوره بقره

### ۲-۱. شأن نزول

برای درک بهتر معنا و مفهوم هر گزاره‌ای، شناخت و توجه به اعتبار اصولی مانند زمان، مکان و انگیزه صاحب سخن در هر متن لازم است. بنابراین، برای درک مراد این آیه، ذکر شأن نزول آن ضروری

به نظر می‌رسد هرچند تکثرگرایان از توجه به آن غفلت کرده‌اند. در برخی از تفاسیر برای این آیه شأن نزولی را مطرح کرده‌اند.

«سلمان و پسر حاکم که به دین مجوس بوده‌اند، روزی با راهبی مسیحی برخورد می‌کنند و توسط این راهب به آیین مسیحیت درمی‌آیند. پس از آن همراه او به دیر راهبان مسیحی مهاجرت می‌کنند. پس از عبادات زیاد برای سلمان این سؤال پیش می‌آید که چرا تمام نعمت‌ها نصیب امت‌های پیشین شده است و مردم این زمانه از نعمت هم‌نشینی با پیامبران محرومند. راهبان دیر بشارت مبعوث شدن پیامبری را در جزیره‌العرب می‌دهند. سلمان پس از فراز و نشیب‌های بسیار، پیامبر ﷺ را ملاقات می‌کند و مسلمان می‌شود. پس از آن از سرنوشت کسانی می‌پرسد که به آیین مسیحیت بوده‌اند و پیامبر ﷺ را ندیده‌اند. در پاسخ او این آیه نازل می‌شود». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۲۸۸/۱) باتوجه به مقتضیات زمان نزول می‌توان به این نتیجه رسید که انگیزه صاحب سخن در این آیه، آنچه تکثرگرایان می‌گویند، نیست.

۱-۲. تقسیم‌بندی انسان‌ها براساس آیه ۶۲ سوره بقره

الف) دسته‌بندی دین‌داران

اول) افراد باایمان

دسته اول که در این آیه به آنها اشاره شده است، افرادی هستند که به وصف ایمان متصف شده‌اند. ایمان از جمله کلماتی است که اهل لغت برای آن معانی متعددی ذکر کرده‌اند. علامه مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن معتقد است که اصل این کلمه امنیت، سکون، رفع خوف و وحشت و اضطراب است و ایمان به معنای آن است که انسان خود را در امنیت قرار دهد و ایمان آوردن به چیزی مترادف آرامش یافتن به آن است. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱/۱۶۳) از نظر کاربرد قرآنی باید دو کلمه را بررسی کرد: اول امن و دوم ایمان. امن در اصطلاح قرآنی به دو معنای اطمینان یافتن همچون آیه: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِيَ اللَّهَ رَبَّهُ؛ و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید، گرو بگیرید (گرویی که در اختیار طلبکار قرار گیرد) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گرو لازم نیست) و باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته) امانت (و بدهی خود را به موقع) بپردازد و از خدایی که پروردگار اوست، بپرهیزد» (بقره: ۲۸۳) به کاررفته است و معنای ایمن بودن و امنیت داشتن که در آیاتی همچون: «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا

اَسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدَى؛ و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید هرکس با ختم عمره، حج را آغاز کند» (بقره: ۱۹۶) ذکر شده است. علامه طباطبایی ذیل آیه سوم سوره بقره به این معنا اشاره می‌کند: «ایمان همان قرارگرفتن عقیده در قلب است که از ماده امن گرفته شده است و مناسبتش این است که مؤمن درواقع موضوعات اعتقادی خود را از شک و ریب که آفت اعتقاد است، امنیتی بخشیده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۴۶).

ایمان نیز که از ماده امن مشتق شده است در اصطلاح قرآن به دو معنا به کاررفته است: اول به معنای تصدیق کردن که در آیاتی همچون آیه ۱۹۶ سوره بقره به این معناست و دوم باور عمیق قلبی یافتن که در این معنا درمقابل واژه کفر و مشتقات آن به کاررفته است. علامه طباطبایی در المیزان، ایمان به خدا را ملازم با ادراک نمی‌داند؛ زیرا مجرد دانستن و درک کردن، ملازم با ایمان نیست بلکه با استکبار و انکار هم می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۴۶). چنان که قرآن می‌فرماید: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ؛ آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند درحالی که در دل به آن یقین داشتند» (نمل: ۱۴). از سوی دیگر ایمان با انکار سازگاری ندارد، پس مشخص می‌شود که ایمان، صرف ادراک نیست بلکه ایمان عبارت است از پذیرایی و قبول مخصوصی از ناحیه نفس، نسبت به آنچه درک کرده است. نوعی قبول که باعث می‌شود نفس دربرابر آن ادراک و آثاری که اقتضا دارد، تسلیم شود و علامت داشتن چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول کنند و مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود. براساس آنچه در معنای لغوی گفته شد مراد از این دسته، افرادی هستند علاوه بر اقرار و قبول ظاهری در باطن و قلب خویش نیز تسلیم و فرمان بردار خداوند هستند که تأثیر این فرمان برداری را می‌توان در تمام رفتار و اعمال آنها دید.

#### دوم) یهودیان

دسته دوم افرادی هستند به صفت هادوا متصف گشته‌اند. هادوا از ریشه هود به معنای بازگشت یا رفق و مداراست. واژه یهود نیز از همین معنا گرفته شده است؛ زیرا آنها به شریعت پیامبر پیشین خویش بازگشتند و درمعنای مدح و ستایش آنها بوده است (هرچند الآن دیگر معنی مدح را ندارد) و لغت هاد به کسانی اطلاق می‌شود که شریعت یهود را برگزیده‌اند. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۴/۵۳۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۴۶) لفظ «هادوا» در ده آیه دیگر از جمله: «مَنْ الذِّينَ هَادُوا يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ؛ بعضی از یهود سخنان را از محل خود تحریف می‌کنند» (نساء: ۴۶)، «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَابُ بِمَا

اسْتُخْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوْنَ اللَّهَ وَلا تَتَّبِعُوا بآيَاتِي تَمَنَّا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ؛ بعضی از یهود سخنان را از محل خود تحریف می‌کنند و [به جای اینکه بگویند شنیدیم و اطاعت کردیم] می‌گویند شنیدیم و مخالفت کردیم و [نیز می‌گویند] و بشنو [کاش] ناشنوا گردی و [از روی سخره می‌گویند] راعنا یعنی [ما را تحمیق کن تا با زبان خود حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند] ولی اگر آنها به جای این همه لجاجت [می‌گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده [تا حقایق را درک کنیم] به نفع آنها بود و با واقعیت سازگار، ولی خداوند آنها را به خاطر کفرشان لعنت کرد. از این رو جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند» (مائده: ۴۴) در معنای قوم یهود به کاررفته است. در رابطه با یهودیان و صفات آنها در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد.

سوم) نصاری

این واژه قرآنی از ریشه (ن ص ر) گرفته شده است. معنای این واژه، اتیان خیر و بخشیدن آن و نهایت کمک و یاری ذکر شده است. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۳۴۰/۷) مراد قرآن کریم از افرادی که شامل این دسته می‌شود کسانی هستند که نهایت تلاش خود را برای یاری دین خدا و نبی او انجام دهند. نکته قابل تأمل آنکه خداوند از مؤمنین خواسته است که مانند انصار حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ باشند گو اینکه آنان را چون مثلی برای مؤمنین ذکر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران خداییم» (صف: ۱۴).

در قرآن کریم لفظ نصاری ۱۴ بار تکرار شده است. در همه این آیات، مراد از نصاری، مسیحیان بوده‌اند (ذاکری، ۱۳۸۱، ص ۲۱) مانند آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ همانا کسانی که ایمان به خدا و انبیا و آخرت آورده‌اند (مسلمانان) پیش پروردگار عالم مأجورند، چنان که یهودیان و نصاری و صابئین (و پیروان انبیای سلف) آنهایی که ایمان به خدای تعالی و روز رستاخیز آورده و عمل صالح انجام داده‌اند هم مسلماً پیش پروردگار عالم مأجورند و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنها از گذشته و در آینده نیست» (بقره: ۶۲). یک بار با لفظ نصرانی: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه مرد

موحد خالص و مسلمانی بود و هرگز از مشرکان نبود» (آل عمران: ۶۷) و دوبار با لفظ انصار یاد شده اند همچون آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيْدِنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون خود گفت چه کسانی در راه خدا یاوران من هستید، حواریون گفتند ما یاران خدا هستیم پس در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام بر آنها پیروز شدند» (صف: ۱۴). البته با دو لفظ رهبان و حواریون نیز از مسیحیان در قرآن کریم یاد شده است.

#### چهارم) صابئین

این واژه به معنای کسی است که از دینی خارج شود و به دین دیگری بگردد. به همین دلیل مشرکان به پیامبر ﷺ صابئی می‌گفتند (فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۳۶/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ص ۴۵۷). این لفظ در قرآن سه بار تکرار شده است:

- در آیه ۶۲ سوره بقره که ذکر شد؛
- در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْيَهُودَ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آنها که ایمان آورده‌اند و یهودیان و صابئین و مسیحیان هرگاه ایمان به خداوند یگانه و روز جزا بیاورند و کار نیکو انجام دهند نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد» (مائده: ۶۹)؛
- در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ کسانی که ایمان آوردند و یهود و صابئین و نصاری و مجوس و مشرکان خداوند در میان آنها روز قیامت داوری می‌کند و حق را از باطل جدایی سازد و خداوند بر هر چیز گواه است (وا از همه چیز آگاه)» (حج: ۱۷).

درباره اینکه صابئین به چه کسانی گفته می‌شود بحث‌های گوناگونی وجود دارد. برخی معتقدند که این صفت به کسانی گفته می‌شود که بر دین حضرت نوح بوده‌اند. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۳۷۴/۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۳، ۴۵۶/۱۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۳۶/۳) برخی نیز آنها را به یهود و نصاری نسبت داده‌اند که نمی‌توان ذبایح آنها را خورد و با زنان آنان ازدواج کرد. عده‌ای نیز آنها را ستاره‌پرست می‌دانند (فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۳/۳). علامه طباطبایی معتقد است که آنها دینی میان

یهودیت، مجوسیت و مقداری حرانیت دارند و کتابی دارند که از حضرت یحیی ع است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵۰۵/۱۴). نکته دوم در مورد آیه مذکور، قیدی است که برای رستگاری اشخاص آمده است. ابتدا باید بررسی کرد که آیا قید مذکور اطلاق دارد یا خیر.

- مراد از «مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ»: جمعی از مفسران، ضمیر منهم در آیه شریفه را در تقدیر گرفته‌اند؛ یعنی «من آمن بالله». بنابراین، عبارت یادشده براساس آیه: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصْرَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» به سه گروه یهود، نصاری و صابئین برمی‌گردد که با پذیرش آن، «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا» درمعنای ایمان حقیقی در این امت استفاده می‌شود؛ زیرا معنا ندارد که «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا» ایمان بیاورند و ایمان در این سه گروه به مقتضای شرع پیامبر ص عمل کردن است (جعفری، مؤدب، ۱۳۹۶، ص ۸۵). بنابر نظر این دسته از مفسرین آنچه ملاک است تدین به دینی آسمانی است و درصورت وجود ایمان واقعی و خالص به یکی از ادیان آسمانی، بهشت در انتظار انسان است. آلوسی روایتی از پیامبر ص نقل می‌کند که: «هرکس بر دین عیسی ع بمیرد قبل از اینکه از من چیزی بشنود او بر خیر و نیکی است و اگر از من چیزی بشنود و به من ایمان نیاورد هلاک شده است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۸۰/۱).

- در مقابل جمعی از مفسرین جمله: «مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» را این گونه معنا کرده‌اند: مراد از آن، کسانی هستند که قبل از بعثت پیامبر ص ایمان داشته‌اند صرف نظر از باطیل یهود و نصاری (فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۳۶/۳)، ایمان به محمد بعد از ایمان به خدا و کتب دیگر آمده است تا بیان شود که هیچ‌کدام از آنها کامل نمی‌شوند مگر به وسیله آخری (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۶۰/۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۳۶/۳)، به معنی اثبات و استقامت در ایمان در سه گروه یادشده است و این به معنی شروع ایمان به پیامبر ص و هر آنچه او آورده است، می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۲۸۳/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۶۰/۱).

باتوجه به آنکه آیه مذکور در مقام بیان و تبیین سه اصل کلی قرب الهی و نجات است و از بیان خصوصیات و مقتضیات این اصول از جمله ایمان به پیامبر اسلام ص ساکت است و آن را به آیات دیگر سپرده است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰). شاید بتوان نظر علامه طباطبایی را در این رابطه کامل دانست که فرمود: «مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» در ابتدای آیه، کسانی هستند که ایمان ظاهری دارند و به این نام و به این سمت شناخته شده‌اند. بنابراین، معنای آیه این می‌شود: «این نام‌ها و نام‌گذاری‌ها که دارید از قبیل مؤمنین، یهودیان، مسیحیان، صابئین، اینها نزد خدا هیچ ارزشی

ندارد. نه شما را مستحق پاداشی می‌کند و نه از عذاب او ایمن می‌سازد». این مطلب در آیات قرآن کریم مکرر آمده که سعادت و کرامت هرکسی دایر مدار و وابسته به عبودیت است نه به نام‌گذاری، پس هیچ‌یک از این نام‌ها سودی برای صاحبش ندارد و هیچ وصفی از اوصاف کمال برای صاحبش باقی نمی‌ماند و او را سود نمی‌بخشد مگر با لزوم عبودیت و ضمیر «منهم» در صدر آیه حذف شده است تا تفاوت میان این دو ایمان را بیان کند (طباطبایی، ۱۴۱۵، ۱/۱۹۳).

### ۳. تفسیر معنای عمل صالح

ارتباط میان ایمان و عمل صالح در قرآن کریم به شکل تنگاتنگ بیان شده است چنان‌که در بیشتر موارد، هنگامی که مؤمنین مورد خطاب بوده‌اند یا صفت عمل صالح هم ذکر شده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند به زودی آنها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است و همیشه در آن خواهند ماند» (نساء: ۵۷) و یا عمل صالح خاصی به عنوان شاخصه برای مؤمنین ذکر شده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند» (بقره: ۲۱۸).

در سوره عصر، همین معنی با تعبیر دیگری آمده است آنجا که همه انسان‌ها را در زیان و خسران می‌بیند و تنها کسانی را استثنا می‌کند که در درجه اول، ایمان دارند و سپس عمل صالح و از حق دفاع می‌کنند و به صبر و استقامت توصیه می‌کنند: «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ - إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ؛ به عصر سوگند که انسان‌ها همه در زیان‌اند مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند» (عصر: ۱-۳).

به اعتقاد علامه طباطبایی مراد از ایمان در اینجا ایمان به خدا و مراد از ایمان به خدا ایمان به همه رسولان او و مراد از ایمان به رسولان او اطاعت و پیروی ایشان است و نیز ایمان به روز جزاست هم چنان‌که قرآن در جای دیگر تصریح کرده به اینکه کسانی که به بعضی از رسولان خدا ایمان دارند و به بعضی ندارند، مؤمن به خدا نیستند. ظاهر جمله: «و عملوا الصالحات» این است که به همه اعمال صالح متصف باشد، پس این جمله استثنائیه شامل فاسقان که بعضی از صالحات را انجام می‌دهند و نسبت به بعضی دیگر فسق می‌ورزند، نمی‌شود و لازمه این، آن است که منظور از خسران اعم از خسران به تمام معنا باشد؛ یعنی شامل خسران از بعضی جهات هم بشود. بنابراین، دو طایفه



خاسر هستند، یکی آنها که از جمیع جهات خاسر هستند مانند کفار معاند حق و مخلد در عذاب و دوم، آنهایی که در بعضی جهات خاسرند مانند مؤمنینی که مرتکب فسق می شوند و مخلد در آتش نیستند چند صباحی عذاب می بینند بعد عذابشان پایان می پذیرد و مشمول شفاعت و مانند آن می شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۵، ۲۰/۶۱۲)

بنابر آنچه بیان شد، می توان این احتمال را قوی دانست که مراد از عمل صالح در این آیات، معنای عرفی آن نیست بلکه مراد از آن معنای دینی خاص است. بدین معنا که عمل صالح باید مطابق باایمان و میزان و ترازوی دین پیامبر هر عصر باشد و چون قرآن کریم در موارد متعدد اهل کتاب را کافر خوانده است مانند آیه: «ما يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ کفار اهل کتاب و همچنین مشرکان دوست نمی دارند که خیر و برکتی از ناحیه خداوند متعال بر شما نازل شود درحالی که خداوند رحمت خود را به هرکس که خواهد اختصاص می دهد و خداوند دارای بخشش و فضل عظیم است» (بقره: ۱۰۵) و اعمال کفار را نیز چون سراب دانسته است: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّئَهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ و کسانی که کافر شدند اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه آن را از دور آب می پندارد اما هنگامی که به سراغ آن می آید چیزی نمی یابد و خدا را نزد آن می یابد و حساب آن را صاف می کند و خداوند سریع الحساب است و حساب همه را یک دفعه می نماید» (نور: ۳۹). پس نمی توان مدعی شد که مراد از عمل صالح در آیه ۶۲ سوره بقره، اعمال متدینین به همه ادیان آسمانی و اهل کتاب باشد (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳). علاوه بر آنچه تاکنون گفته شد درمقابل تفسیر تکثرگرایان دینی از آیه ۶۲ سوره بقره، آیاتی در قرآن کریم وجود دارند که تکثرگرایی دینی را به صراحت نفی می کنند.

#### ۴. نظر قرآن در رابطه با پلورالیزم دینی

از مبانی مسلم اندیشه پلورالیزم دینی، شکاکیت، نسبیت گرایی و عدم امکان رسیدن به حقیقت است. درمقابل، آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که این اندیشه را نفی می کند. از نگاه قرآن کریم به هیچ وجه شکاکیت و نسبیت در دین، مورد پذیرش نیست و رسیدن به حقیقت امکان پذیر است. (شاگری، و همکاران، ۱۳۸۶، ۷/۶۶) این آیات عبارتند از:

- آیاتی که شک و رازان را مورد نکوهش قرار می دهد، مانند آیه: «وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ لَأَرَبٍ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيِقِينَ»؛ و هنگامی که گفته می شد همانا وعده خداوند حق است و در قیامت هیچ شکی نیست می گفتید ما نمی دانیم قیامت چیست ما تنها گمانی در این باره داریم و به هیچ وجه یقین نداریم». (جاثیه: ۳۲)

- آیاتی که آشکار بودن حقیقت اسلام را بیان می کند مانند آیه: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در قبول دین اکراهی نیست؛ زیرا راه درست از راه منحرف آشکار شده است». (بقره: ۲۵۶)

#### ۱-۴. عدم کفایت قبول سایر ادیان الهی

در آیاتی از قرآن کریم، اهل کتاب به اسلام دعوت شده اند: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يَبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ ای اهل کتاب، رسول ما به سوی شما آمد تا برای شما حقایق دین را بیان کند در روزگاری که پیامبری نبود مبادا [روز قیامت] بگویید: نه بشارت دهنده ای به سوی ما آمد و نه بیم دهنده [هم اکنون پیامبر] بشارت دهنده و بیم دهنده به سوی شما آمد و خداوند بر همه چیز تواناست» (مائده: ۱۹)؛

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ؛ بگو ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید، با آنکه خدا گواه بر اعمال شماست» (آل عمران: ۹۸)؛  
در این زمینه، آیات فراوانی وجود دارد که در همه این آیات از اهل کتاب خواسته شده که به پیامبر اسلام ایمان بیاورند. دعوت اهل کتاب به اسلام در این آیات، پلورالیزم دینی را به صراحت نفی می کند و بر این اندیشه خط بطلان می کشد؛ زیرا اگر صرف ایمان به یکی از ادیان الهی دلیل بر رستگاری و نجات بود، مؤاخذه اهل کتاب در ترک ایمان به پیامبر ﷺ و نیز دعوت آنها به اسلام امری بیهوده و عبث بود.

#### ۲-۴. اسلام تنها دین مقبول الهی

پلورالیست ها معتقدند که از منظر قرآن کریم، اسلام معنای عام یعنی، تسلیم مطلق در برابر خدا دارد. این امر در تمام ادیان اهل کتاب تسری دارد. لازمه این نظریه این است که مسلمانی نیز اختصاصی به امت اسلام ندارد و شامل پیروان سایر ادیان می شود. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹)  
پورالیست ها برای اثبات ادعای خود به آیات زیر استشهاد کرده اند:

- «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ دُرَيْتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمان بردار خود پدیدآور و آداب ما را به ما نشان بده و توبه ما را پذیرفته و به ما توجه فرما، همانا تو تواب و رحیم هستی» (بقره: ۱۲۸)؛

- «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و هرکس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است» (آل عمران، ۸۵).

از دیدگاه قرآن کریم آیه فوق به صراحت تنها دین حق و صراط مستقیم را دین اسلام می‌داند و پیروان سایر ادیان را به گرویدن به اسلام امر می‌کند، اما تکثرگرایان دینی برای اثبات ادعای خود به این آیه استناد کرده‌اند و دلیل بر مدعای خود را قول علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵۲۱/۳) ذیل این آیه بیان کرده‌اند.

- «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا نَبِيَّهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ دین در نزد خدا اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود و هرکس به آیات خدا کفر ورزد (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند سریع الحساب است» (آل عمران، ۱۹).

تکثرگرایان این آیه را مانند آیه قبل معنا کرده‌اند و مراد خداوند و قرآن کریم را تنها تسلیم مطلق بیان نموده‌اند و کوشیده‌اند تا از این آیات برای حقانیت ادیان دیگر دلیل بیاورند. نکته قابل تأمل در دیدگاه پلورالیست‌ها توجه به معنای اسلام است.

## ۵. معنای واژه پلورالیست در قرآن کریم

### ۵-۱. معنای تسلیم و خضوع در برابر خدا

این واژه به معنای سرسپردگی و تسلیم در برابر خداوند در قرآن کریم به کار رفته است. این سرسپردگی گاه به شکل تکوینی در میان موجودات عالم بیان شده است: «أَفَعَيِّرُ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ؛ آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟ (آیین او همین اسلام است) و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر

(فرمان) او تسلیم‌اند و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند» (آل عمران: ۸۳). گاه به صورت توصیه پیامبران پیشین بیان شده است: «وَوَصَىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ؛ و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند (و هرکدام به فرزندان خویش گفتند): فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید» (بقره: ۱۳۲) و یا به صورت صفا و وصف فردی: «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: اسلام بیاور (و در برابر حق، تسلیم باش او فرمان پروردگار را از جان و دل پذیرفت و) گفت در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم» (بقره: ۱۳۱) (نجفی و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

## ۵-۲. آیین خاص پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

قرآن کریم در آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم» (مائده: ۳)، به صراحت نام اسلام را بر دین حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گذارد و از اهل کتاب می‌خواهد که اگر خواهان هدایت هستند به این آیین بپیوندند: «وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ و به آنها که اهل کتاب هستند [یهود و نصاری] و بی‌سوادان [مشرکان] بگو: آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می‌یابند و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش! زیرا) بر تو تنها ابلاغ (رسالت) است و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان بیناست» (آل عمران: ۲۰).

باتوجه به آنچه تاکنون بیان شد مراد قرآن کریم از واژه اسلام، همیشه تسلیم مطلق نیست و این واژه نامی است که خداوند متعال برای آیین آخرین پیامبر خود انتخاب کرده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

- در ابتدای آیه از چهار دسته: مؤمنین، یهودیان، مسیحیان و صابئین یاد شده است؛  
 - مراد از: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» اثبات و استقامت در ایمان در سه گروه یاد شده است و این به معنی شروع ایمان به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هر آنچه او آورده است، می‌باشد؛

- مراد از عمل صالح در این آیات، معنای عرفی آن نیست بلکه مراد از آن، معنای دینی خاص است. بدین معنا که عمل صالح باید مطابق با ایمان و میزان و ترازوی دین پیامبر هر عصر باشد و چون قرآن کریم در موارد متعدد اهل کتاب را کافر خوانده است؛

- از مبانی مسلم اندیشه پلورالیزم دینی، شکاکیت، نسبیت‌گرایی و عدم امکان رسیدن به حقیقت است. درمقابل آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که این اندیشه را نفی می‌کند. از نگاه قرآن کریم به هیچ‌وجه شکاکیت و نسبیت در دین مورد پذیرش نیست و رسیدن به حقیقت امکان‌پذیر است؛

- اگر صرف ایمان به یکی از ادیان الهی دلیل بر رستگاری و نجات بود، مؤاخذه اهل کتاب در ترک ایمان به پیامبر ﷺ و نیز دعوت آنها به اسلام امری بیهوده و عبث بود؛

- مراد قرآن کریم از واژه اسلام، همیشه تسلیم مطلق نیست و این واژه نامی است که خداوند متعال برای آیین آخرین پیامبر خود انتخاب کرده است.

#### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۸)، مترجم: آیت‌الله مکارم شیرازی. بیروت: مرکز طبع و نشر قرآن.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۰۳). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. جعفری، اسمر، و مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۶). تحلیل دیدگاه مفسران در تفسیر آیه ۶۲ سوره بقره و نقد دیدگاه پلورالیستی، نشریه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، سال هشتم، شماره ۳۱، ص ۸۱-۹۶.
۴. ذاکری، مصطفی (۱۳۸۱). نصرانی و نصاری. نشریه معارف، دوره نوزدهم، شماره ۱، ص ۲۱-۳۵.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹). مفردات القرآن الکریم. تهران: مرتضوی.
۶. شاکری، حمیدرضا، و جمعی از محققین (۱۳۸۶). پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی. قم: معارف.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸. طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۹. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. قدردان قراملکی، محمد حسن (۱۳۸۹). قرآن و پلورالیزم. تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۱. گلنهاروزن، محمد (۱۳۷۶). اسلام و تکثرگرایی دینی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۱۲. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). التحقیق فی کلمات قرآن کریم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. نجفی، محمد جواد، و محمدی، جواد (۱۳۹۱). معناشناسی واژه اسلام در قرآن با تأکید بر بررسی رابطه آن با پلورالیزم دینی. نشریه علمی-پژوهشی الهیات تطبیقی، شماره ۸، ۹۷-۱۱۶.
۱۵. هیک، جان (۱۳۸۴). پلورالیزم در اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.